اشاره به امر تکوینی دخول شهر برای کل کره در روایت «غُلّت مردة الشیاطین»

در این چند دقیقه‌ای که مانده مطلب دیروز را هم عرض کنم. سؤالی که دیروز مطرح کردم این بود: اگر یک دلیل آمد و فرمود: «اذا رایتم هلال رجب فلاتقاتلوا و ان بقی من النهار ساعات». خب این دلیل، تخصیص است؟ یا تبیین موضوع است؟ این سؤالی بود که دیروز مطرح کردم.

شاگرد: تخصیص چه چیزی؟

استاد: ما می‌دانیم که در ماه جمادی، قتال، حرام نیست. این روایت می‌گوید اگر در بعد از ظهر روز آخر جمادی هلال را دیدید، ولو دلیل اصلی می‌گفت تا غروب، قتال، حلال است، ولی این دلیل آن را تخصیص می‌زند. می‌گوید «یحل القتال فی جمادی الاّ اذا رایتم الهلال فی یومه الاخیر» در ساعت دوبعد از ظهر، که دراینصورت آن دو-سه ساعت باقیمانده آن حرام است. این تخصیص دلیل حلیّت قتال درجمادی می‌شود. این یک بیان است.

اما یک بیان دیگر این است –می‌خواستیم استدلال امام علیه‌السلام را توضیح بدهیم- می‌گوییم «اذا رایتم هلال رجب فلاتقاتلوا و ان بقی منه ساعات»، نمی‌خواهد آن حلیت را تخصیص بزند، بلکه می‌خواهد بگوید وقتی هلال را دیدید، شهر داخل شده است. «اذا رأوا الهلال قالوا قد دخل الشهر الحرام». این دلیل می‌گوید ماه شروع شد، خب هنوز که شب نشده؟! می‌گوید موضوع قتال، اصل شهر است؛ لحظات شهر است. نه شب یا روز شهر. این خیلی مهم است. تفاوت تحلیل دقیق فقهی است. «اذا رأیتم هلال رجب فلا تقاتلوا و ان بقی من النهار ساعات»، یعنی لحظات شهر رجب داخل شده است، ولو هنوز شب آن نیامده است. و موضوع حرمت قتال شب یا روز نیست، بلکه شهر حرام است. شهر حرام هم که آغاز شده است. این یعنی، این استثناء تخصیص نزد، بلکه ارشاد به این کرد که موضوع حرمت قتال، نفس شهر است. نه شب یا روز شهر. این سؤال، سؤال خیلی خوبی است. مفتاحی برای بسیاری از مباحث بعدی است.

در اینجا اگر بگوییم «اذا رایتم الهلال دخل الشهر»، چون «دخل الشهر» می‌تواند صبغه حقوقی-تکوینی داشته باشد، محل ابهام است. اگر اخبارهای تکوینی باشد روشنتر است. «اذا رایتم هلال شهر رمضان غُلّت مردة الشیاطین». الآن ساعت دو بعد از ظهر دیدید، استظهار عرف چیست؟ ساعت دو بعد از ظهر هلال شهر مبارک دیده شد و همه آن را دیدند. از تحت‌الشعاع بیرون آمده ولی هنوز مانده تا شب بشود. از این حدیث چه می‌فهمید؟

یک توضیح این است که روایت ناظر به متعارف است. متعارف در وقت غروب دیده می‌شود، لذا وقتی ساعت دو دیدی، خیالت راحت باشد که هنوز شیاطین مغلول نشده‌اند. لذا باید صبر کنید. یعنی چون ناظر به متعارف بوده، از این هلال ساعت دو بعد از ظهر منصرف است. خب این یک عبارت

کلاسیکی است که همه میدانیم.

یک تحلیل دیگر این است: شما حتی اگر ساعت دو هم دیدی «غُلّت» هست. چرا؟ چون «دخل الشهر». ولو لیل برای منطقه ما نیامده است. میگویی خب وقتی لیل نیامده که فایدهای ندارد! میگویم در احالل هالل کل کره را در نظر بگیر، چرا تنها خودت را در نظر میگیری؟! تو که در یک جایی از زمین هستی، ای روز است، ای نصف شب است ای طلوع است ای غروب است. ولی کل کره همه چیز را دارد. در کل کره هم نصف شب است، هم زوال دارد و هم غروب دارد و هم طلوع دارد و هم ساعت هشت را دارد. کل کره بیست و چهار ساعت را دارد. وقتی شما میگویی «اذا اهل الهلال» یا «اذا رئی الهلال» و ... غُلّت..»، وقتی ساعت دو هلال را دیدی همین لحظه روی کره زمین وقت غروب است. خب آنها هلال را میبینند. در این فرض «غلت» هست یا نه؟! میگویم در شهر آنها «غلت» صادق است ولی در شهر ما نه! خب اینها جوابهایی است تا قافیه را جور کنیم! و الّا ظاهر این حدیث ابا‌ء دارد؛ ساعت دو هلال را دیدی، در یک جایی هم وقت غروبشان است و هلال را میبینند، میگویی باید صبر کنند تا وقت غروب ما بشود؟! خب چرا غروب ما؟ غروب یک بلد دیگر.

44:10

بنابراین میخواهم عرض کنم، تناسب حکم و موضوع در «غُلت مردهٔ الشیاطین» اخبار از یک امر تکوینی است، نه امر تشریعی. چون اخبار از امر تکوینی است، آیا ارتکازا به بقاع مربوط میشود؟ یا برای کل کره زمین است؟ یا برای دخول شهر نسبت به کل کره است؟ ارتکاز عرف کدام یک از اینها است؟

شاگرد: با این بیان اعتبار به غربیترین نقطه زمین است و اعتباری به شرقیترین نقطه زمین نیست.

استاد: غربی و شرقی ندارد.

شاگرد: چون اولین جایی که «اهلّ» صدق میکند غرب است.

استاد: کلیت ندارد. همیشه اینطور نیست. شما نقشهها را ببینید. گاهی اولین جایی که میبینند در ژاپن است که شرقیترین بلد است. خیلی وقتها هم نسبت به ما در آمریکای جنوبی میبینند.

شاگرد: یعنی احالل ما دیگر مالک نیست. یعنی وقتی شما میگویی ساعت دو هلال را دیدم، این احالل ساعت دوازده اتفاق افتاده است.

استاد: اول منظور اصلی من معلوم بشود؛ وقتی میگویی «اذا رأیتم الهلال غلّت...»، چون اخبار از تکوین است، نه اخبار از یک امر حقوقی تشریعی که به دست ما باشد، چون تکوین است ما دو راه بیشتر نداریم. یا بگوییم «غلّت» نسبت به هر شهری متناسب خودشان است، اگر هم ما ساعت دو دیدیم هنوز در شهر قم «لم تهل»، صبر میکنیم و در وقت غروب آفتاب «غلّت» میآید. یا این را میگوییم؛ اگر ارتکاز یاری کند من حرفی ندارم. یا اینکه میگوییم چون اخبار از امر تکوینی است، آن امر تکوینی نسبت به بلاد مختلف، متفاوت نیست. آن برای کل کره است. خب یک لحظه است که برای کل کره «غلّت» صدق میکند.

شاگرد: خب رؤیت از موضوعیت میافتد. چون من که الآن دیدم... .

استاد: ببینید دیدن، طریق است. عرف میفهمد که منظور گوینده در اینجا احالل هلال است. نه اینکه صبر کنیم تا وقتی من دیدم بعد مغلول کنیم.

شاگرد۲: تعبیر «طلع الهلال» است.

استاد: یعنی یک نحو نفس الامریت دارد. «رایتم» طریق است. یعنی «اذا اهلّالهلال» برای کل کره، «غلّت». فلذا اگر ما ساعت دو بعد از ظهر دیدیم هلال را دیدهایم و «دخل الشهر» و «غلّت» صدق میکند. چون برای کل کره است. نباید صبر کنیم تا شب ما بشود. کدام یک از این دو است؟

بازبینی #1
ایجاد شده 13 مه 2026 14:37:45 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 مه 2026 14:38:28 توسط ... .